

چالش‌های اجتماعی و مشکلات زندگی جانبازان (مطالعه موردی: جانبازان زیر ۲۵ درصد در استان خراسان رضوی)

سعید شریعتی مزینانی^۱ و سیمین فروغزاده^۲

تاریخ وصول: ۹۶/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۹

چکیده:

این پژوهش با روش کیفی، چالش‌های اجتماعی و مشکلات زندگی جانبازان زیر ۲۵ درصد را توصیف و تحلیل می‌کند و زمینه‌های ظهور ناراضی‌گری آنها را توضیح می‌دهد. داده‌ها به کمک مصاحبه‌نامه نیمه‌ساخت یافته و با انجام مصاحبه‌ی عمیق و حضوری با ۳۰ نفر از جانبازان زیر ۲۵ درصد در استان خراسان رضوی جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد مشکلات عمده‌ی جانبازان با شیوه‌ی امتیازدهی توسط بنیاد شهید آغاز می‌شود. نظیر باور به بی‌اعتمادی بنیاد نسبت به جانبازان، کارکرد نادرست کمیسیون جانبازان و درصdBندی نادرست جانبازی، احساس تبعیض به سبب رفتار ناعادلانه‌ی بنیاد، رنج جانبازنمایی، افت منزلت جانبازی در جامعه است. این مشکلات باعث احساس محرومیت از احترام، مزایا و هویت سازمانی شده است که در نهایت به ناراضی‌گری از بنیاد شهید و سایر سازمان‌ها انجامیده است. تقاضای جانبازان تجدیدنظر در فرایند درصdBندی جانبازی، مورد احترام و تقدیر واقع شدن مقام جانبازی در جامعه و بالاخره تشکیل کارگروه‌هایی از جانبازان در بنیاد است.

مفاهیم کلیدی: جانبازان زیر ۲۵ درصد، چالش‌ها و مشکلات زندگی، استان خراسان رضوی

^۱ عضو هیأت علمی مؤسسه‌ی علمی کاربردی جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران
saeedshariatim@gmail.com

^۲ عضو هیأت علمی سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
foroughzadeh.simin@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

جنگ با هر ویژگی و هدفی که اتفاق افتد، آثار جبران‌ناپذیری به جای می‌گذارد و می‌تواند واحد آثار مثبت و منفی باشد. بدیهی است که آثار منفی جنگ ملموس‌تر است و آثار مثبت آن را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. اولین آثار منفی اما محسوس و مستقیم جنگ در دو بعد انسانی و عمرانی ظاهر می‌شود (Shayanmehr, 2012:99). بخش اعظم مشکلات و پیامدهای جنگ، پس از فروکش کردن شعله‌های جنگ ظاهر می‌شود. خسارت جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق، طبق آماری که کمیسیون اقتصادی برآورد خسارت جنگ ارائه داده است، در حدود ۸۰ میلیارد دلار برآورد شده است. این رقم معادل ۷ سال کل درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و گاز کشور و یا معادل ۳۰ سال درآمدهای ارزی کشور حاصل از صادرات غیر نفتی است. نکته‌ی قابل توجه آنکه این رقم از شروع جنگ تا پایان سال ۶۲ را در برداشته و شامل خسارت‌های سال‌های پس از آن نمی‌شود (173 *Ibid*:، که به این ترتیب میلیاردها تومان خسارت مستقیم و غیر مستقیم اقتصادی به کشور وارد شده است (Anbari & Oveisi fardoei, 2013:14).

اما نکته‌ی قابل تأمل آن است که صرف‌نظر از خسارت‌ها و پیامدهای اقتصادی، جنگ در بعد انسانی هم پیامدهای جبران‌ناپذیری دارد، به گونه‌ای که در هیچ دوره‌ای از زندگی اجتماعی مردم یک جامعه، آمار بیماری‌ها و اختلالات روانی به وسعت و گستردگی دوران جنگ نیست. جنگ هشت ساله در برابر عراق حدود نیم میلیون نفر جانباز به همراه داشت (Adib Sade, 2013:136). علیرغم آنکه سه دهه از پایان جنگ می‌گذرد، انتظار می‌رود جانبازان و خانواده‌های آنان دیگر مشکلاتی در زندگی شخصی و اجتماعی نداشته باشند، اما شواهد و بررسی پیشینه‌ی موضوع نشان از آن دارد که رنج و پیامدهای جنگ هنوز بر روی دوش بازماندگان این جنگ سنگینی می‌کند. جانبازان عمده‌ترین گروه آسیب‌دیده جنگ هستند. طبق بررسی اعضای کمیسیون بنیاد شهید، درصد جانبازی گروهی از جانبازان جنگ، زیر ۲۵ درصد تعیین شده است. اگر چه به نظر می‌رسد این گروه در مقایسه با سایر جانبازان دارای مشکلات کمتری به لحاظ جسمی و روحی هستند، اما باز هم در مقایسه با افراد سالم در جامعه محدودیت‌هایی دارند. آنها به دلیل شرایط ویژه‌ای که دارند، با مشکلات مختلفی در زندگی مواجه‌اند و نیازمند دریافت خدمات و حمایت هستند. از مهم‌ترین اهداف بنیاد شهید و امور ایثارگران، اداره‌ی امور بازماندگان شهید، مراقبت از بازماندگان و جانبازان است و به‌عنوان سازمان پاسخگو نسبت به رفع مشکلات و درخواست‌های این گروه از افراد جامعه دارای وظایف تعریف شده است و طبق همین

وظیفه است که جانبازان انتظارات و چشمداشت‌هایی از بنیاد دارند و بر اساس میزان برآورده شدن آن انتظارات، عملکرد سازمان را قضاوت می‌کنند. علیرغم گذشت سی سال از پایان جنگ، کماکان عموم جانبازان آسیب‌دیده از جنگ همچنان درگیر بحران‌های حل نشده و گاه جایگزین شده‌اند که نه تنها خود بلکه خانواده‌هایشان را نیز درگیر کرده است، به گونه‌ای که غالب چالش‌های اجتماعی و مشکلات زندگی این گروه از جانبازان تنها مربوط به خود آنها نیست بلکه اعضای خانواده هم با توجه به تعاملاتی که دارند، به درجات مختلف با آن مشکلات دست به گریبان‌اند؛ لذا مسائل جانبازان گسترده و وسیع‌تر از یک مسأله‌ی شخصی است و رفع آنها نیز تنها در حوزه‌ی مسائل فردی قلمداد نمی‌شود.

به لحاظ نظری مسائل اجتماعی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی است. امروزه صاحب‌نظران مختلف کوشیده‌اند تا تعریف قانع‌کننده‌ای از آن ارائه دهند و به همین دلیل در خصوص تعریف مسأله‌ی اجتماعی رویکردهای متعددی وجود دارد و بر همین اساس تعاریف زیادی از مسأله‌ی اجتماعی توسط اندیشمندان در حوزه‌های مختلف شده است. نظیر تعاریف ارائه شده توسط (Merton, 1976)، (Robertson, 1980)، (Nisbett, 1985)، (Kumar, 2002)، (Rubington & Weinberg, 2003)، (Spector, 1993)، (Bellmer, 1971) و غیره. اما از میان تعاریف موجود از مسأله‌ی اجتماعی، تعریف پر ارجاع و مشهوری از هورتون و لزی وجود دارد که پایه‌ی اصلی همه‌ی تعاریف است. به زعم آنها «مسأله‌ی اجتماعی وضعیتی است که بخش قابل توجهی از جامعه آن را ناخوشایند بدانند (عام بودن) و معتقد باشند که برای حل آن باید کاری کرد (ضرورت رفع مسأله) و علاوه بر آن، بر این باور باشند که افراد یا سازمان‌هایی مسئول رفع مشکل اجتماعی هستند (اهمیت فرد یا سازمان در حل مسأله)» (Nimroozi, 2008: 45).

با عنایت به نکات پیش گفته هدف از تدوین مقاله‌ی حاضر پاسخگویی به این سؤال مهم است که جانبازان زیر ۲۵ درصد با چه مشکلات و چالش‌هایی به ویژه در ارتباط با بنیاد شهید مواجه‌اند؟

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

بررسی پیشینه‌ی تجربی موضوع تحقیق (بررسی مسائل و مشکلات زندگی جانبازان زیر ۲۵ درصد) در پایگاه داده‌های علمی داخل کشور (پورتال علوم انسانی، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، مگیران) نتیجه‌ای در بر نداشت. این موضوع نشان می‌دهد که به

دلایل نه چندان روشنی، مشکلات زندگی این گروه از جانبازان در داخل کشور بررسی شده است. از سوی دیگر این بررسی نشان داد طی ده سال اخیر جانبازان عمدتاً بالای ۲۵ درصد، مورد مطالعه‌ی بسیاری از طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها بوده‌اند. این مطالعات عمدتاً بر روی گروه خاصی از جانبازان (جانبازان اعصاب و روان، ضایعه‌ی نخاعی، شیمیایی چشم و ریه، جانبازان قطع هر دو اندام تحتانی و ...) انجام شده و موضوع اصلی و محوری تحقیق هم در زمینه‌ی میزان رضایت جانبازان از خدمات بهداشتی و درمانی، رفاهی، توابعی خدمات بیمه‌ی تکمیلی، دریافت دارو، روند کار کمیسیون پزشکی تعیین درصد، ویزیت سرپایی، بررسی شاخص توده‌ی بدن و ... بوده است. علاوه بر آن در بررسی پیشینه معلوم شد سنجش میزان رضایت‌مندی جانبازان از خدمات اشاره شده توسط بنیاد شهید، سنجش رضایت از زندگی، رضایت از وضعیت عاطفی و خانوادگی، سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایت شغلی جانبازان شاغل، نگرش نسبت به درصد معلولیت و نیازمندی‌های آن‌ها از دیگر موضوعات مورد بررسی در میان جانبازان بالای ۲۵ درصد بوده است.

سوابق پژوهشی موجود پیرامون موضوع مقاله‌ی حاضر نشان داد تنها تحقیق «بررسی میزان رضایت جانبازان شهر تهران از عملکرد بنیاد شهید و امور ایثارگران و عوامل مؤثر بر آن» (Amirkhani, 2010) است که نتایج آن تا حدی به بخشی از یافته‌های بدست آمده در این مقاله نزدیک است. این تحقیق با نمونه‌ی ۳۰۰ نفری در شهر تهران انجام شده و در نهایت به این نتیجه رسیده است که عوامل فردی (درصد جانبازی) و سازمانی (توزیع عادلانه امکانات موجود بنیاد در میان جانبازان، برخورد کارکنان بنیاد با جانبازان) بر رضایت جانبازان از عملکرد بنیاد مؤثر است.

چالش‌های فرهنگی و هویتی جانبازان جنگ تحمیلی (Anbari & Oveisi, 2013) عنوان پژوهش دیگری است که به روش کیفی و انجام مصاحبه‌های متمرکز گروهی و انفرادی با ۳۲ نفر از جانبازان ۷۰ درصد شهر تهران به "دغدغه‌ی هویت جانبازی" جانبازان پرداخته است و به این پرسش پاسخ داده است که جانبازان در مورد جایگاه و هویت جانبازی خود و تغییرات آن نسبت به گذشته چگونه می‌اندیشند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد ادبیات جانبازی دستخوش تغییرات گردیده و در بسیاری از موارد از منظر جانبازان، تقدس و منزلت جانبازی به مجموعه‌ای از تعارفات، گفتارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی تقلیل یافته است. در سطح جامعه، الگوهای رفتاری جدید ناهمخوان با فرهنگ ایثارگری گسترش یافته و تفسیر و قرائت‌های نوین اما متعارض با گفتمان ایثارگری به وجود آمده

است. این تحولات در گفتمان ارزشی جانبازی و ایثارگری، به رویکرد عمدتاً مادی و معیشتی منجر شده است، به میزانی که در جامعه رویکرد مادی و اقتصادی بر نگرش فرهنگی نسبت به جانبازان غلبه یافته است. این تحول بر دغدغه‌های فرهنگی و دامنه‌ی انفصال و انزوای اجتماعی جانبازان و برخی از اعضای خانواده‌ی آنها، به خصوص همسر و فرزندان آنان نیز افزوده است.

در تحقیق دیگری که با عنوان «رضایت‌سنجی جانبازان از خدمات درمانی ارائه شده توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران» انجام شده است (Dortaj, 2009)، میزان رضایت جانبازان از خدمات درمانی ارائه شده توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران و رابطه‌ی آن با نوع و درصد جانبازی و تعیین سایر عوامل مرتبط با رضایت جانبازان بررسی شده است. این تحقیق به شیوه‌ی پیمایش بوده و بر روی نمونه‌ی ۱۳۸ نفری از جانبازان شهر تهران انجام شده است. نتایج نشان داد رضایت جانبازان از خدمات درمانی ارائه شده توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران در حد متوسط است. بین رضایت از خدمات درمانی ارائه شده به تفکیک نوع جانبازی تفاوت کمی مشاهده می‌شود که این تفاوت معنی‌دار نیست اما در رضایت جانبازان از خدمات درمانی به تفکیک درصد جانبازی، تفاوت بیشتری وجود دارد.

بررسی رضایت‌مندی مراجعین از خدمات ارائه شده در بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گیلان به روش پارسورامان و مقایسه‌ی آن با سطح انتظار آنان تحقیق دیگری است که با هدف بررسی وضعیت رضایت‌مندی خدمت‌گیرندگان بنیاد از نحوه‌ی ارائه‌ی خدمات در بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گیلان اجرا شد. اطلاعات این تحقیق به کمک پرسشنامه‌ی استاندارد مبتنی بر روش پارسورامان بین ۶۷۰ نفر از نمونه‌های مشتمل بر خانواده‌های شهدا، جانبازان و آزادگان جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد، میانگین کل رضایت از نحوه‌ی ارائه‌ی خدمات در این بنیاد برابر ۷۸/۶ درصد می‌باشد. در این بین دو مورد از متغیر اصولی (محسوسات با ۸۳٪ و اطمینان و اعتماد ۸۰/۴٪) از میانگین رضایت کل بالاتر بود. اما ۳ مورد (پاسخگویی و واکنش‌پذیری با ۷۸/۴٪، اعتبار و تضمین با ۷۴/۸٪ و هم‌دلی و درک نیازها با ۷۰/۸٪) میزان رضایت‌مندی پایین‌تر از میانگین را به خود اختصاص داد. ضمن اینکه از حیث نوع جامعه‌ی هدف، جانبازان ۷۸/۲٪ و آزادگان ۷۸/۸٪ و خانواده‌های شاهد ۷۹/۲٪ از نحوه‌ی ارائه‌ی خدمات رضایت داشتند و کمترین درصد مربوط به جانبازان ۷۰ درصد به بالا بود (Abdi and Azimi, 2013).

همچنین تحقیق دیگری با هدف دستیابی به راهبردهای برنامه‌ریزی درمانی و خدماتی در بین جانبازان اعصاب و روان، به «بررسی کیفیت زندگی جانبازان اعصاب و روان

در استان اصفهان» انجام شد. این مطالعه به شیوه‌ی پیمایش با ۳۴۵ جانباز اعصاب و روان استان اصفهان که در سال ۱۳۸۸ در طرح پایش سلامت جانبازان شرکت کردند، انجام شد. نحوه‌ی تکمیل ابزار به صورت مراجعه پزشک به منزل جانباز و انجام معاینه و مصاحبه‌ی بالینی بود. نتایج نشان داد از میان ابعاد کیفیت زندگی فقط فعالیت فیزیکی وضعیت متوسط دارد و سایر ابعاد به ویژه ابعاد روانی کیفیت زندگی بسیار پایین است؛ همچنین سن، تاهل و اشتغال بر ابعاد مختلف کیفیت زندگی تأثیرگذار است. علاوه بر آن افزایش سن جانبازان تهدیدی برای افت کیفیت زندگی آنان است و بازنشستگی پیش از موعد جانبازان اعصاب و روان، کیفیت زندگی آنان را تهدید می‌کند (*Ahmadi Node and Nejadi, 2010*).

در تحقیق دیگری به شیوه‌ی پیمایش و با نمونه‌ی ۳۶۸ نفری، نوع مجروحیت و کیفیت زندگی جانبازان بالای ۲۵ درصد استان کرمانشاه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان از کیفیت پایین زندگی جانبازان دارد و کیفیت زندگی بر حسب نوع مجروحیت متفاوت است. در بعد جسمی برای جانبازان شیمیایی پایین و برای جانبازان آمپوته، ترکیبی و اعصاب به نسبت بالاتر است؛ در بعد روانی برای جانبازان اعصاب و روان و شیمیایی در سطح پایین‌تر و برای جانبازان آمپوته، ترکیبی و ویژه در وضعیت بهتری قرار دارد؛ در بعد اجتماعی برای جانبازان شیمیایی در سطح پایین‌تر و برای جانبازان آمپوته، ترکیبی در وضعیت بهتری قرار دارد؛ سن و تعداد فرزندان بر کیفیت زندگی تأثیر معکوسی دارند. وضعیت اشتغال بر کیفیت زندگی تأثیر دارد و افراد شاغل از کیفیت زندگی بهتری برخوردارند. این تحقیق نشان داد ناتوانی و مشکلات روحی روانی، زندگی جانبازان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این تأثیر در میان آنها یکسان نیست (*Gholipour and et. al., 2015*).

در تحقیقی با عنوان «بررسی کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه» (*Mandani and Fakhri, 2013*). کیفیت زندگی ۷۰ جانباز مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه در شهر اهواز به کمک پرسشنامه‌ی SF36 مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد کمترین نمرات آزمون در میان جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه مربوط به حیطه‌های ایفای نقش جسمی و هیجانی و عملکرد اجتماعی بود. کیفیت زندگی با درصد جانبازی، سطح تحصیلات و وضعیت تاهل ارتباط معنادار داشت ولی با سن ارتباط معناداری نداشت؛ همچنین بین کیفیت زندگی بیماران بستری و سرپایی نیز اختلاف معناداری دیده نشد. اختلال استرس

پس از سانحه با کاهش کیفیت زندگی جانبازان همراه است. کیفیت زندگی پایین‌تر در جانبازان با درصد جانبازی بیشتر، سطح تحصیلات پایین‌تر و درافراد مجرد مشاهده شد. همچنین «اولویت‌بندی نیازهای جانبازان کمتر از ۲۵٪ استان گیلان از دید خود و همسرانشان» (Asghari and et. al., 2015) عنوان تحقیق دیگری است که با ۳۸۴۴ نفر از جانبازان زیر ۲۵ درصد و ۱۴۱ نفر از همسران آنها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این تحقیق نشان داد جانبازان به ترتیب نیازهای روان‌شناختی، آموزشی، اقتصادی، شغلی، جسمانی و پزشکی داشتند. از نظر همسران آنها نیازهای شغلی اولویت اول و نیازهای اقتصادی، روانی، آموزشی، پزشکی و جسمانی در اولویت‌های بعدی بود. در پایان، محقق بازنگاری در میزان جانبازی و کمک به رفع بیکاری آنها، مکانیزم رفع نیازها در جانبازان زیر ۲۵٪ و همسرانشان در استان گیلان را یادآور می‌شود.

ب) تحقیقات خارجی

در خصوص تجربه‌های پژوهشی خارج از ایران، تحقیقات فراوانی در مود اثرات و عواقب روانی - اجتماعی زیستی مرتبط با جنگ انجام شده است. مثلاً در مطالعه‌ی خود با عنوان «دشواری‌های ادغام مجدد در خانواده و زوج درمانی برای سربازان جنگ و بازگشته‌هایشان» (۲۰۱۱)، نشان داده شد که زوج‌هایی که یکی از آنها به تازگی از جنگ بازگشته است با دشواری‌هایی در زندگی خانوادگی‌شان مواجهند و وضعیتشان بیانگر چالش‌های مهمی در زمینه‌ی درمان مشکلات روحی این دسته از زوجها است. مشکلات این زوجها دامنه‌ی وسیعی دارد. شامل تعارضات موجود بر سر راه ادغام مجدد در خانواده، اختلال استرس بعد از واقعه‌ی (PTSD) و یا افسردگی، آسیب مزمن، خیانت و چالش‌های فردی و اجتماعی مرتبط با پیوستن مجدد به زندگی مدنی. نویسنده ملاحظات مربوط به یکپارچه کردن روش‌های درمانی و نیازهای کلینیکی و پژوهشی در مورد این زوجها را مورد بحث قرار می‌دهد. بر اساس نتایج مطالعه، راهبردهای‌های اتصال مجدد به جامعه عبارتند از تبدیل شدن سربازان به سفیری برای انتقال تجربه نظامی و دانستن اینکه چالش گذار به وضعیت تازه با گذشت زمان آسان خواهد شد؛ همچنین معلوم شد که جامعه از جانبازان در برابر چالش‌ها حفاظت و حمایت می‌کند اما یافته‌های مطالعه موانع پیش روی سربازان در مکان‌یابی و دسترسی به خدمات حمایتی را نیز آشکار کرد (Sayers, 2011). در مطالعه‌ای با عنوان «چالش‌های سربازان بازگشته از افغانستان و عراق در گذار از ارتش به زندگی مدنی و رویکردهای موجود در پیوند مجدد آنان با جامعه» محققان به

بررسی تجربه‌های تروما در میان سربازان جنگ و گسست ارتباط میان این سربازان با خانواده‌ها و دوستانشان و اهمیت فهم مسئله انتقال از فضای ارتش به زندگی غیر نظامی، چالش‌های تجربه شده و روش‌های برقراری ارتباط مجدد با جامعه پرداختند. در این مطالعه که از طریق مصاحبه‌ی عمیق با ۲۴ سرباز بازگشته از جنگ انجام شد سه مضمون عمده بدست آمد. مضمون «ارتش به‌عنوان خانواده» معلوم کرد که چه تعداد از جانبازان محیط نظامی را به‌عنوان یک «خانواده» که از آنها مراقبت می‌کند تجربه کرده‌اند. مضمون دوم «بیگانگی با هنجارها» بود که بسیاری از سربازان گسست از مردم در وطن، عدم دریافت حمایت از نهادها، بی‌سازمانی و بی‌هدفی را در بازگشت به زندگی مدنی را تجربه کردند. مضمون سوم «جست و جوی وضعیت به هنجار جدید» بود شامل راهبردها و حمایت‌های جدیدی می‌شد که سربازان در مواجهه با این چالش‌ها برای اتصال مجدد به جامعه می‌یافتند. اقلیتی از پاسخگویان، یعنی کسانی که مورد بدرفتاری سیستم نظامی قرار گرفته بودند، سربازان زن و سربازانی که از مشکلات مربوط به سوء رفتار جدی رهایی یافته بودند، کمتر توان دسترسی به حمایت از سوی هم‌تایانشان داشتند (Ahern and et., 2015).

مطالعه‌ی انجام شده با عنوان «مشکلات ادغام مجدد در جامعه و در میان سربازان بازگشته از جنگ در عراق و افغانستان دریافت‌کننده‌ی خدمات پزشکی از سازمان امور سربازان جنگ» نشان داد که بین ۲۵ تا ۵۶ درصد از سربازان بازگشته از جنگ که از خدمات «سازمان امور سربازان جنگ» خدمات دریافت می‌کردند از «مقداری» تا «به شدت» در زمینه‌های «عملکرد اجتماعی، بهره‌وری، پیوند اجتماعی و مراقبت از خود» با مشکل مواجه بودند. دست کم یک سوم از آنان تجربه‌ی طلاق، رانندگی خطرناک، افزایش استفاده از مواد مخدر و افزایش مشکل در کنترل خشم داشته‌اند. تقریباً همه‌ی آنان به دریافت خدماتی که به سازگار شدن مجدد آنان با زندگی غیر نظامی کمک کند علاقه‌مند بودند و روش‌هایی که بیش از بقیه در دریافت خدمات در جهت ادغام مجدد اجتماعی مورد ترجیح سربازان بودند عبارت بودند از دریافت خدمات از «سازمان امور سربازان جنگ»، روش پستی و روش اینترنتی (Sayer, 2010).

در خصوص عوامل مؤثر بر نحوه‌ی بازگشت سربازان جنگ به جامعه، مطالعه‌ای را با عنوان «گذار دشوار از ارتش به زندگی مدنی» بر روی یک نمونه ۱۸۵۳ نفره از این سربازان انجام داد. بر اساس یافته‌های این مطالعه ۷۲ درصد از پاسخگویان انطباق مجدد خود با زندگی شهری را آسان و ۲۸ درصد آن را دشوار گزارش کردند. درصد اخیر برای کسانی که

در طول ۱۰ سال قبل از انجام مطالعه در جنگ حضور داشته‌اند به ۴۴ درصد افزایش می‌یافت. برای توضیح تفاوت میان دو گروه، متغیرهای نگرشی، تجربه‌ها و ویژگی‌های دموگرافیک پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌ها، افسران، فارغ‌التحصیلان کالج نظامی و کسانی که درک روشنی از مأموریت‌شان در حین خدمت داشتند، مشکلات کمتری در بازگشت به جامعه تجربه کرده بودند. برعکس، کسانی که آسیب‌های روانی یا بدنی جدی را در حین خدمت تجربه کرده بودند بازگشت دشوارتری به جامعه داشتند. به علاوه کسانی که در منطقه‌ی نبرد خدمت کرده بودند و آنها که دشمن را می‌شناختند شانس بیشتری برای بازگشت آسان‌تر به جامعه داشتند. همچنین سطح بالاتر باورهای دینی رابطه‌ی مستقیم و معنادار با بازگشت آسان‌تر سربازان جنگ به جامعه داشت (Morin, 2011).

بر اساس یک مطالعه‌ی کیفی انجام شده توسط دانشجویان دانشگاه «آمریکن یونیورسیتی» که بر روی ۶۱ سرباز بازگشته از جنگ انجام شد از ۱۰ سرباز جوان بازگشته از جنگ ۸ نفر در بازگشت به خانه دچار مشکلاتی بوده‌اند. این سربازان در یافتن کار، انطباق با محیط کلاس و مواجهه با تأثیرات ذهنی و عاطفی جنگ دچار مشکل بوده‌اند. بزرگترین مشکل، دور شدن از ذهنیت نظامی و "سازگار شدن با محیط شهری و درک شدن از سوی شهروندان" بوده است. انطباق با محیط شهری هم در سطح حرفه‌ای و هم در حوزه‌ی اجتماعی بزرگ‌ترین مشکل مورد اشاره پاسخگویان بوده است؛ همچنین تصمیم‌گیری درباره‌ی آینده، ورود به بازار کار یا تحصیل یک مشکل پاسخگویان بوده است. در خصوص اختلال استرس بعد از آسیب ۸۲ درصد سربازان جنگ معتقد بودند که همگنانشان بیش از غیر نظامیان در معرض مشکلات عاطفی و روانی قرار دارند؛ همچنین از هر ۱۰ پاسخگو ۹ نفر دست کم یک نفر از همگنانشان را می‌شناختند که دچار اختلال استرس بعد از واقعه (PTSD) است. بیش از نیمی از هر دو گروه احتمال بیکار ماندن سربازان جنگ را بیش از بقیه‌ی سربازان می‌دانستند و اینکه ۴۱ نفر از پاسخگویان معتقد بودند که سربازان جنگ بیشتر در معرض تبعیض در فرایندهای استخدامی هستند.

یافته‌های مطالعه‌ی مؤسسه‌ی گالوپ در ۲۰۱۰ که حاصل مصاحبه با ۱۴۳۲ سرباز (شامل ۱۰۰۴ سرباز بازگشته از جنگ و ۴۲۸ سرباز فاقد تجربه‌ی جنگ در خارج از کشور) است نیز حاکی از این موضوع است که احتمال ابتلا به افسردگی در میان نظامیانی که در خارج از کشور خدمت کرده‌اند بیش از دیگر سربازان است و بیشترین نسبت این بیماری

در سنین ۱۸ تا ۲۹ سالگی مشاهده می‌شود. همچنین احتمال ابتلا به دردهای مزمن در بین سربازان جوان جنگ دو برابر بیش از سربازان دیگر است (Witters, 2010).

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق به روش کیفی انجام شد. مهم‌ترین هدف این نوع از تحقیقات «ایجاد درکی از زندگی اجتماعی و کشف چگونگی شیوه‌ی خلق معنی توسط افراد در شرایط طبیعی» است (Newman, 2012:184). به این منظور در تحقیق حاضر برای فهم مشکلات زندگی جانبازان با ۳۰ نفر از جانبازان زیر ۲۵ درصد مصاحبه شد. این مشارکت‌کنندگان آگاهانه انتخاب شدند. در روش کیفی، هدف نمونه‌گیری از افراد نیست، بلکه از نظام معنایی افراد است، لذا مراجعه به مشارکت‌کنندگان به روش گلوله برفی بود و تا زمانی که اطلاعات کسب شده به اشباع نظری رسید، مراجعه به مشارکت‌کنندگان ادامه داشت. این اشباع نظری زمانی حاصل می‌شود که محقق احساس کند داده‌های جدید صرفاً نتایج قبلی را تکرار می‌کند و مقوله‌ی جدیدی پدید نمی‌آید (Strauss & Corbin, 2014):187.

داده‌های تحقیق به کمک روش مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت یافته گردآوری شد. پس از پایان مصاحبه‌ها، متن‌های تهیه شده بازبینی و اصلاح شدند. برای تحلیل ابتدا متن به گزاره تبدیل شد و در مراحل بعدی گزاره‌ها کدگذاری شدند و در نهایت بر مبنای تحلیل تماتیک کدها یک پارچه و گزارش شد.

راهبردهای مختلفی برای ارتقای اعتبار تحقیق کیفی وجود دارد. معیارهای متفاوتی که (Christensen and Johnson, 2008) و (Strauss and Corbin, 2008) به نقل از (Mohammadpour, 2010) برای اعتباریابی پژوهش کیفی مطرح کرده‌اند، در این پژوهش ملاک‌های زیر برای ارتقای کیفیت و اعتبار نتایج مد نظر بوده است: ۱- روشن بودن هدف مطالعه، ۲- مفاهیم، ۳- منطق، ۴- زاویه‌بندی پژوهشگر، ۵- تشخیص خارجی، ۶- توصیف‌گرهایی با استنباط پایین، ۷- تمامیت زمینه‌ای.

۱- روشن بودن هدف مطالعه: این مطالعه نه تنها به توصیف مشکلات فراروی زندگی جانبازان پرداخته است بلکه به کمک داده‌های متنی، کدها و پس از آن مقولات و به ارتباط منطقی مقولات با یکدیگر منتهی شده است.

۲- مفاهیم: به کمک نقل قول‌های مستقیم مشارکت‌کنندگان، کلیه مفاهیم و کدها انتزاع شده است. شکل‌گیری این مفاهیم در جدول ۱ نشان داده شده است.

۳- منطق: جریان منطقی و معنادار مقولات با یکدیگر در شکل ۱ نشان داده شده است.

۴- زاویه‌بندی پژوهشگر: دلالت بر استفاده از پژوهشگران متعدد در گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها دارد که در این بررسی مصاحبه‌های انجام شده دو بار توسط دو کدگذار، کدگذاری شد. سپس کدها طی فرایند تبادل نظر مقایسه و یکدست شد.

۵- تشخیص خارجی: دلالت بر استفاده از متخصصین خارجی جهت ارزیابی کیفیت مطالعه دارد به این منظور از پژوهشگر دیگری که در حوزه‌ی جانبازی و جنگ صاحب تجربه بود، خواسته شد تا گزارش پژوهش را مطالعه کند و نظرات خود را اعلام کند.

۶- توصیف‌گرهای با استنباط پایین: دلالت بر یادداشت‌های میدانی محقق و نقل قول‌های مستقیم مشارکت‌کنندگان دارد. در ارائه‌ی یافته‌های این مطالعه به منظور آشنایی عمیق با دنیای مشارکت‌کنندگان، مکرراً این توصیف‌گرها ارائه شده است.

۷- تمامیت زمینه‌ای: در طول مصاحبه سعی بر این بود که به جوانب مختلف موضوع اعم از ویژگی‌های زمینه‌ای، نگرش و باور، آگاهی و تجربه و ... نزد مشارکت‌کنندگان توجه شود. به این منظور و به توصیه‌ی فلیک، گزاره‌های متعلق به مشارکت‌کنندگان و تفسیر محقق به صورت جداگانه گزارش شده است (Mohammadpour, 2010:168).

یافته‌های پژوهش

توصیف مشخصه‌های عمومی مشارکت‌کنندگان

در این پژوهش مشارکت‌کنندگان ۳۰ نفر از جانبازان زیر ۲۵ درصد در استان خراسان رضوی بودند. اکثریت (۱۲ نفر) آنها کم‌سواد بوده و تحصیلات زیر دیپلم داشتند. از این گروه ۱۰ نفر دارای تحصیلات دیپلم و تنها ۸ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. به لحاظ شغلی، به استثنای دو نفر که مشاغلی در رده‌ی بالا داشتند و دو نفر هم کارمند بودند، بقیه‌ی منزلت شغلی پایینی داشته و عمدتاً کارگر ساده، بتا، نگهبان پارک، نگهبان بانک و ... بودند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان ۵۰ سال بود و همگی متأهل بودند.

نتایج تحلیل متن

یافته‌های این پژوهش پاسخ به این سؤال اصلی بوده است که جانبازان زیر ۲۵ درصد با چه مشکلات و چالش‌هایی در زندگی شخصی و اجتماعی و به ویژه در ارتباط با بنیاد شهید مواجه‌اند؟

در این بخش درونمایه‌ی حاصل از کدگذاری در ذیل ده مضمون اصلی قرار گرفت. این ۹ مضمون، عمده مشکلاتی هستند که جانبازان با آنها روبرو هستند. در این بخش علاوه بر مضامین مذکور، برخی از شواهد و نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان که طی فرایند مصاحبه‌های عمیق به دست آمد و در پژوهش‌های کیفی به کدهای باز معروف است، ارائه می‌شود.

۱- آغاز امتیازدهی به جانبازان

امتیازدهی مبتنی بر درصد به جانبازان، نقطه‌ی تحولی در جریان روابط بنیاد با جانبازان است. پیش از آن ارزش ایثارگری تا جایی بود که بسیاری از جانبازان از مراجعه به بنیاد و معرفی خود، پرهیز می‌کردند. اما آغاز امتیازدهی در بنیاد با تغییر در شرایط اقتصادی جامعه و به تبع آن جانبازان، وضعیت پیشین را تغییر می‌دهد. از این زمان به بعد بسیاری از جانبازان برای معرفی خود اقدام می‌کنند و از سوی دیگران هم برای معرفی ترغیب می‌شوند. در این دوره جانبازان متوجه تغییر در شرایط بیرونی جامعه شدند که عبارتند از:

- تغییر شرایط در بنیاد

تغییر و تحولات ساختاری در بنیاد شهید در اثر تلاش مسئولانی اتفاق افتاده است که مسائل جانبازان را در رده‌های پایین‌تر و از نزدیک مشاهده و لمس کرده بودند و به گوش مسئولان رده بالاتر رسانده بودند.

- دیدیم به اتفاقاتی داره میفته تو بنیاد شهید و امور ایثارگران.
- اینم جدیت کسایی بود که در طبقات پایین‌تر بوده و مسئولیتی پیدا کردند .. مسأله رو انقدر گزارش کردند آنقدر به رده‌های بالا رسوندند که بالاخره بنیاد شهید یهو به جانبازان توجه کرد.

- تغییر نسبت جانبازان بالای ۷۰ درصد و جانبازان درصد پایین‌تر

فوت جانبازان با درصد بالای جانبازی (۷۰ درصد) در اثر جراحات وارده فرصتی را فراهم آورد تا سایر جانبازان، مخصوصاً جانبازان با درصد پایین جانبازی (زیر ۲۵ درصد) مورد توجه بنیاد قرار گیرند.

- یکی دیگه از دلایلی که بنیاد ترغیب شده به جانبازان زیر ۲۵ درصد بپردازه اینه که انگار جانبازان بالاتر دارن از رده خارج می‌شن ... به خاطر آسیب‌هایی که بهشون وارد شده.
- ما مثلاً الان جانباز هفتاد درصد بالاتر نداریم. هی از بین رفتن و نهایت امر دیگه چیزی نمونده. در صورتی که زمان جنگ آسایشگاه‌ها جانباز هفتاد درصد به بالا بود.

- تغییر شرایط سازمان‌های دولتی

از یک دوره‌ای سازمان‌های دولتی در خصوص پرداخت وام، حق بیمه، همچنین مالیات امتیازات ویژه‌ی به جانبازان ارائه کردند که پیش از آن وجود نداشت.
- تا اینکه دیدم شرایط سازمان‌های دولتی تغییر کرد. یعنی در سال ۸۲ آمد یه اتفاقی افتاد توی سازمان ما که حق بیمه و حق مالیات رو نباید پرداخت کنن. دیدم این اتفاق افتاد خب واسه‌ی ما هم اعمال می‌شه. بعد دیدم که وام داره تو وادی میاد بعد اعلام می‌کنن ۲۵٪ به بالا مثلاً ۴۰-۳۰ میلیون یا قبلش بیست و پنج میلیون الان ۶۰ میلیون دارن میدن.

- تغییر شرایط سنی و بروز و افزایش آسیب‌های ناشی از جانبازی

با افزایش سن جانبازان، آسیب‌های وارد شده به جسم و روان جانبازان در دوران جنگ که پیش از این در زندگی روزانه جانبازان اختلالی ایجاد نمی‌کرد، خود را نشان می‌دهد.

- هرکس به قیافه‌های ما نگاه می‌کنه می‌گه این کاریش نیست ولی نمی‌فهمه که ما الان بوق ماشینا رو تحمل نمی‌تونم بکنیم. مثل سیبی که از تو خرابه.
- ما کارهای ساختمونی می‌کنیم این کارا هم الان برامون سنگین رفته ... اگه بخوام برم کار بکنم باید نشسته کار بکنم. پاهام لا نمی‌خوره.
- ما جوون بودیم دنبالش نرفتیم ... الان که پا به سن می‌ذاریم داره معلوم می‌شه خودشو نشون می‌ده و الا که قبلاً اینجور نبود.

۲- جانبازنمایی

جانبازنمایی اشاره به تصور جامعه هدف از فریبکاری‌های برخی از جانبازان دارد که توانسته‌اند با سندسازی و راه‌های غیر قانونی دست به تمارض بزنند. باید توجه داشت دلیل تمارض این جانبازان همواره کسب امتیازات مادی نبوده است، بلکه برخی از این تخلفات

مربوط به دوران جنگ است که در آن موقعیت، افراد برای دوری گزیدن از جنگ و جبهه تمارض می‌کردند. اما چون از آن زمان مدرکی مبنی بر جانباز بودن آنها شکل گرفته است، اغلب بر اساس همان مدارک تقلبی جانباز شناخته شده‌اند و اکنون از امتیازات بهره می‌برند که این امر در افزایش احساس تبعیض در بین جانبازان نیز مؤثر است.

- یه عده‌ای آمدن الکی شیمیایی گرفتن. من خودم چون کرمانی هستم. تو کرمان طرف ذوب آهنی بوده و خودش رو به‌عنوان جانباز جا داده بود.
- یه سری خلاف کردن ... بی‌قانونی کردن ... اومدن تو فضای بنیاد خودشون رو به عنوان جانباز جا زدن و سندسازی کردن و شیمیایی گرفتن.
- من الان سراغ دارم یه ترکش خورده الان داره از بنیاد یک میلیون و دویست و خورده‌ای حقوق می‌گیره خودش. خانمش داره حق پرستاری می‌گیره و اینا با این وضعیت بعد نامه‌ای که گرفته اون نامه چی بوده؟ شیمیایی. من می‌دونم چه کار کرده همین که می‌گم تنباکو رو چه کار می‌کنه آمده و خودش گفته به من. بعد می‌رفت با این وضعیت شیمیایی می‌گرفت.

۳- افت منزلت اجتماعی جانبازان در جامعه

- این مقوله به این موضوع اشاره دارد که چگونه جانبازی و ایثارگری در ابتدا در جامعه ارزش بوده، سپس به مرور این ارزش‌ها تقلیل یافته است تا جایی که برای جانبازان آزاردهنده شده است.
- اگر درد می‌کشیم بذار همین درد بی‌درمون خودمونو بکشیم نه که زخم زبون دیگرانو ...
 - الان به یکی بگیم مریضیم می‌گه چی شده ... می‌گیم رفتیم جبهه می‌گن می‌خواستی نری. رو در رو می‌گن.

۴- باور به بی‌اعتمادی بنیاد نسبت به جانبازان

جانبازان به زعم خود دچار نوعی بی‌اعتمادی از سوی بنیاد شده‌اند و باور دارند که این احساس ناشی از سختگیری‌هایی است که بنیاد در رابطه با درصددی و احقاق حقوق آنها اعمال می‌کند. البته آنها از سوی دیگر معتقدند علت این سخت‌گیری‌ها از سوی بنیاد، رفتار نامناسب و تخلف‌آمیز برخی از جانبازانی نیز بوده که قصد سوء استفاده از امکانات بنیاد را داشته‌اند. در حالی که جانبازان زیر ۲۵ درصد خود را همچنان مستحق

امتیازات می‌دانند، تصور می‌کنند این رفتارهای فریبکارانه برخی جانبازان است که موجبات بی‌اعتمادی و در نتیجه سختگیری‌های بنیاد شده است.

- یه عده دنبال اینن که آخرین قانون چیه ... جواز چی می‌دن. یه عده دنبال همینان. آبروی همم می‌برن.
- خودشون اونا بهتر از همه خبر دارن برای همین این سختگیری‌ها رو می‌کنن.

۵- رنج بی‌عدالتی و تبعیض در بین جانبازان

احساس تبعیض در بین جانبازان اشاره به نوعی احساس بی‌عدالتی در دریافت امتیازات دارد که از مقایسه‌ی خود با جانبازان بالای ۲۵ درصد بدست می‌آید. احساس تبعیض آنها را می‌توان در قالب سه دسته‌ی اصلی تقسیم کرد. احساس تبعیض در زمینه‌ی احترام و توجه نخستین عاملی است که جانبازان را دچار رنج می‌کند به گونه‌ای که برخی جانبازان معتقدند که بنیاد به همه‌ی جانبازان به یک چشم نگاه نمی‌کند. علاوه بر آن، دسته‌ای از ایثارگران بوده‌اند که جانبازی آنها مربوط به دوران جنگ نبوده بلکه به جهت فعالیت‌های سیاسی پیش از انقلاب اسلامی بوده که به‌عنوان ایثارگر شناخته شده‌اند. آنها معتقدند نوعی تبعیض میان جانبازان و ایثارگران جنگ و زندانیان سیاسی قبل از انقلاب وجود دارد.

- بزرگترین مسئله‌ی بین جانبازان همین احساس تبعیضه ... همه رو به یک چشم نگاه نکردن ...

جانبازان اعتقاد دارند در ارزیابی درصدهای جانبازی نیز نوعی تبعیض وجود دارد. اغلب آنها اعتقاد دارند این ارزیابی‌ها به صورت عادلانه‌ای صورت نگرفته است و یکی از مصادیق آن عدم تعلق وام به جانبازان زیر بیست درصد است. ضمن آنکه برخی از جانبازان زیر ۲۵ درصد ارائه‌ی امتیاز سهمیه‌ی دانشگاه برای فرزندان جانبازان با درصدهای بالاتر را امر صحیحی نمی‌دانند.

- کسایی که مستحق نبودند بهشون کمک شد. من کسی رو دیدم و می‌شناسم که فرض کنید یک مقدار انگشتش رفته، این ۴۵ درصد مستحقه. ولی برای من که پامو و دستم آسیب دیده، بنیاد ۵ درصد داده باز ارتش لطف کرده و ۵ درصدم ارتش بهش اضافه کرده

- ما می‌خواستیم وارد حوزه‌ی ایثارگران و بنیاد شهید بشیم که خب این اتفاق افتاد اما اونایی که باید اعمال می‌شد مثل وام و یا چیزایی که در واقع حالا اتفاق می‌فته

واسه یه جانباز هنوز اعمال نشده و ما هیچ ... می گم یعنی بحث اینجاست که چه فرقی بین من با اون جانبازه.

- واقعاً اینم معضل بزرگیه ... خیلی بی سوادن. فقط به خاطر اینکه مدرک داشته باشن سهمیه بهشون می دن می شینن صندلی ها رو به حساب اشغال می کنند. نه اهل درس هستن ... فقط می خوان مدرک بگیرند.

- مثلاً به من نمی دن ... درصد بیشتر که باشه می دن ... واقعاً آدمای خنگی اند. ولی خب ارشد قبول می شن میان ارشد می خونن. چون از سهمیه ی باباشون استفاده می کنن. فک می کنم الان دیگه زمانی نیست که سهمیه ها اعمال بشه.

- الان یکی از این بچه ها رفت علامه درس خوند رتشم ۴۳ بود ولی واقعاً سواد نداشت همه مشقاشم بقیه براش انجام می دادن.

۶- بی اعتمادی به عملکرد بنیاد

از منظر جانبازان مورد مطالعه، درصدبندی نادرست جانبازی و کارکرد نادرست کمیسیون جانبازان منجر به بی اعتمادی آنها نسبت به عملکرد بنیاد شهید شده است.

- درصدبندی نادرست جانبازی

مقوله ی عدم مقبولیت درصدبندی با مقوله ی عدم مقبولیت کمیسیون مرتبط اما متمایز است. چرا که در آن، تأکید بر معتبر نبودن امر درصدبندی است و در واقع به خود قانون درصدبندی معطوف است در حالی که عدم مقبولیت کمیسیون، اشاره به عدم صلاحیت افراد در کمیسیون و عدم اجرای صحیح درصدبندی است. گفته های جانبازان در ارتباط با عدم مقبولیت درصدبندی به دو دسته قابل تقسیم است:

یک گروه معتقدند اصل درصدبندی نادرست و بی فایده است چرا که در آن به شیوه ی غیر قابل قبولی نقطه ی ۲۵ درصد اهمیت یافته است. این مقوله مشخص می کند جانبازان مبنای درصدبندی بنیاد را نپذیرفته اند. آنها این کار کمیسیون را تبدیل کیفیت به کمیت می دانند که از دیدگاه آنان امری نارواست. این کمی سازی اشتباه است چرا که منجر به تحقیر جانبازان می شود. این گروه اعتقاد دارند باید در این نوع درصدبندی تجدید نظر شود و همه ی کسانی که جبهه بوده اند بایستی جانبازی دریافت کنند و از امتیازات بهره مند شوند.

- تا ما رو می‌بینن می گن ... نه این مال ۲۵٪ به پایین ... آدم یک نوع تحقیر می‌شه.
 - توقعی داریم حالا که تو جنگ بودیم و ترکش، تیر یا موج انفجاری که ما داریم، اتفاق افتاده. خب حالا به نفر ممکنه قطع نخاع شده با یه ترکش خیلی ریز. یه نفر مثل من حالا ممکنه ۹ تا ترکش خورده باشه با یه تیر. بعد وقتی که حالا در کمیسیون حضور پیدا می‌کنید، هیچ توجهی به اینها ندارند.
 - در واقع اینا با این درصدبندی‌ها می‌خوان یه کیفیتی رو تبدیل به کمیت کنن.
 - من معتقدم اینکه کسانی که در جبهه حضور داشتند؛ همه‌ی اینا باید جانبازی را داشته باشن.
- در مقابل عده‌ی دیگری از این جانبازان در عین حال که اصل درصدبندی را قبول دارند، معیارهای موجود در آن را دقیق نمی‌دانند. لزوم تجدید نظر در این نوع درصدبندی به شیوه‌ی گوناگونی توسط جانبازان مطرح شده است. اول اینکه آنها معتقدند اثبات ایثارگری‌ها در زمان فعلی و با معیارهای موجود بسیار سخت است و دوم اینکه آن‌ها معیارهای کنونی درصدبندی را نادرست می‌دانند، به طوری که گاهی حتی معیارهای جایگزین برای این نوع درصدبندی نیز مطرح کرده‌اند. برخی از جانبازان هم بر این باور هستند که محل حضور در جبهه باید بر مدت حضور در جبهه اولویت داشته باشد، امری که اکنون در نظر گرفته نشده است. به علاوه، آنها اظهار می‌دارند توانایی تعریف خاطرات جنگ می‌تواند به‌عنوان معیاری برای تمایز جانبازان واقعی از جانبازانی باشد که دست به تمارض زده‌اند و همچنین به نحوی مشخص کننده‌ی محل حضور واقعی جانبازان است. در مقابل، برخی از جانبازان معتقدند درصدبندی باید بر اساس میزان آسیب‌های وارده باشد نه بر اساس تعداد ترکش‌ها:
- بله دایی ایشون مثلاً الان ریه‌هاش خرابه ... منتهی بعد از ۵ سال ... بعد که رفته دکتر برای معاینات پزشکی گفته آثار شیمیایی شده ... رفته که بره داخل کمیسیون، قبول نکردن. گفتن برین از همون موقع از همون زمان صورت جلسه بیارید ... در هر حال بایستی یک آثاری از اون موقع رو پروندشون باشه، بالاخره یک دستخطی یک صورت جلسه‌ای چیزی رو پرونده‌شون باید باشه که بر اساس همون مدرک برن جلو ...
 - ولی کلاً این درصد خیلی نپخته و ضعیفه.
 - خود دکتراشونم قبول می‌کنن می‌گن مگه می‌شه ترکش بخوره موج نگیره. می‌گن ما خودمونم می‌دونیم چون موج انفجار چیزیه که سخته تشخیصش ...

- همین جانباز بیاد خاطره تعریف کنه این خاطرات ضبط بشه بر اساس خاطراتی که ضبط میشه تو منطقه‌ی عملیاتی که حضور داشتن، خب اونایی که نبودن، نمی‌تونن اینارو تعریف کنن ... می‌مانند ... ببینید من می‌تونم خاطرات بسیاری توأم القصاص بگم، خب من حضور داشتم که زخمی شدم کسانی که از طرف من بودند، می‌دونم اتفاقی که افتاد ...

- نه این واقعیته ... ممکنه این ترکش خورده باشه ولی این ترکش به جایی خورده باشه که کلاً قطع کرده باشه. به‌طور مثال از پایین تنه به از کمر به پایین رو فلج کرده باشه ... ولی خب من الان هنوز شش تا ترکش دارم. ولی الحمدلله هنوز به اعصاب نرسیده چون به عصب هنوز اصابت نکرده ... که از حرکت و تحرک انداخته بشه ... برا اون دکتر باید متوجه بشه که اون ترکش‌ریزی که عصبش رو قطع کرده این مستحق ۴۰ درصد نه ۲۰ درصد و اون‌ی که شش تا ترکش خورده مثل من، به من ۴۰ درصد نده. من مستحق همون ۲۵ درصدم ... یعنی ۴۰ یا ۴۵ درصد نه. این حق کشی‌ها رو ما داشتیم توی کمیسیون پزشکی ...

- بر اساس میزان آسیب باید درصد بدن ...

- کارکرد نادرست کمیسیون جانبازان

نتایج نشان داد کمیسیون‌های بنیاد نزد جانبازان مقبولیت ندارد و این به معنای عدم پذیرش عملکرد و اجرای درصدبندی‌های موجود در رابطه با جانبازان است. به زعم این گروه از جانبازان، عدم مقبولیت به دلیل سه ضعف اساسی در کارگروه‌های موجود در بنیاد است. ضعف نخست در پایبندی به قانون است. آنها اعتقاد دارند کمیسیون، پایبندی لازم به قانون را ندارد. به‌عنوان مثال آنها از حق‌کشی بنیاد نسبت به جانبازان سخن گفتند. برخی دیگر دلیل این تبعیض میان جانبازان را داشتن پارتی در بنیاد می‌دانند. آنها بر این عقیده‌اند که بنیاد از درصدبندی موجود به صورت ابزاری استفاده کرده است:

- البته بنیاد گروه‌بندی کرده یه عده کسانی که به اصطلاح جانبازی کمتری ولی آشنای زیادی دارند به‌عبارتی ... پارتی‌دارها که اون‌ها خیلی مسائل و خیلی آوانس‌ها رو گرفتن ممکنه اون جانباز واقعی که مستحق این مسائل بوده به اون خواسته‌هاش نرسیده.

- فردی بود که پاش بر اساس تصادف از بین رفته بود، اومد جبهه کمی مجروح شد رفت عقب. پاشو عنوان کردند که در جنگ از دست داده. خب؟ همین آدم رفت با ۵۵ درصد جانبازی از موقعیتش استفاده کرد بعد دو مرحله آپارتمان گرفت ... دو تا آپارتمان از

اونجا با پارتنری بازی گرفت. سه مرحله ماشین سواری گرفت. یک دونه وانت دو تا سواری. عرض کنم چندین مرحله به‌عنوان پاداش و به‌عنوان کمک هزینه‌ی خونه وجه بلاعوض پول بلاعوض بهش دادن. قرص‌الحسنه نه‌ها. بلاعوض ...

- به‌همه‌ی عمومیت بدن به‌طور مساوی یعنی اگه قراره جانبازی از یک درصد تا بیست و پنج درصد و به‌طور مثال ده هزار تومان بهش بدن مثلاً ۱۵ هزار تومان بهش بدن تا هفتاد درصد واقعاً همه رو یکسان ۱۵ هزار تومان بهشون بدن نه اونکه چون این جانباز آشناس پیدا بشه بعد بهش ۱۵۰ تومان بدن. این‌چنین عمل نشه. واقعاً همه رو به یک چشم ببینند.

مورد دوم ضعف مهارت اعضای کمیسیون است. جانبازان معتقدند بنیاد در ابتدا برای بررسی پرونده‌ی جانبازان و تعیین درصدهای آن‌ها سخت‌گیری کمتری داشت اما علیرغم اینکه اخیراً این بررسی‌ها با سخت‌گیری بسیار زیادی انجام می‌شود، تعیین درصد به صورت معتبری صورت نگرفته و همچنان بنیاد فاقد استاندارد مشخص است و این امر در اصل ناشی از ضعف مهارت افراد کمیسیون است. می‌توان گفت آن‌ها به نوعی کمیسیون را ظاهر بین می‌دانند و بر این عقیده‌اند که اعضای کمیسیون بر اساس مهارت‌هایشان انتخاب نشده‌اند. عدم مهارت اعضای کمیسیون به زعم جانبازان در عمل باعث می‌شود درصد واقعی جانبازان به طرز صحیح و دقیقی تعیین نشود. به همین دلیل است که آن‌ها انتظار دارند بنیاد برای رفع نواقص پرونده‌هایی که در گذشته با سخت‌گیری کمی درصذبندی شده‌اند، اقدام کند.

- الان می‌خواهم بگویم باید کارگروه‌هایی تشکیل بشه به سری از افرادی که پرونده‌شون رو می‌برن بعضی‌ها اصلاً بلد نیستن ... اصلاً وارد نیستند جوونی بود که اصلاً دوران جنگ نبوده یا جوونی بود از خانواده‌ی شهدا ... بعضی‌هاشون خیلی چون درک می‌کنند جانبازی و شهادت رو اینا یکم کارا رو راه می‌ندازن ولی به جوونی اونجا نشسته بلد نیست چی کار بکنه.

- حالا تعجبیه که اینا اون اوایل خیلی راحت درصد می‌دادن می‌دونن ۲۵ سال، ۳۰ سال پیشم کسی که وضعیت الانو نمی‌دونست که چقدر این درصدا ... فک می‌کردین الان دکتر رفته شیمیایی خب ۳۰ درصد قلمش می‌چرخید می‌شده ۴۰ درصد ۳۰ درصد همین می‌شده دیگه سند برای این. حالا این می‌تونه توی یه دوره‌هایی بازنگری بشه، معاینه بشن. و در نهایت از نظر آنها ضعف کمیسیون مربوط به ضعف صلاحیت است که این امر ناشی از بی‌توجهی به آسیب‌های واقعی جانبازان و فقدان همدلی با آن‌ها است.

- پزشکای الان خودشون رنگ و روی جنگ و جبهه رو ندیدن نمی‌تونن حس بکنن. اون جانباز وقتی میاد می‌گه این مدارک منه ... کلیه‌ی مدارک پزشکی رو ارائه می‌ده نمی‌تونن حس اونایی که در جنگ بودن رو درک کنند ... اینایی که تو کمیسیون پزشکی عضو هستن، نمی‌تونن این حسو داشته باشن ... بنابراین فک نکنید اگه پرونده‌ای هم بره زیر دستشون همچین اعتنایی قائل بشن. فک نکنم حسی به این افراد داشته باشن.
- آره الان دیگه اون پزشکی نیستن که خودشون اون موقع بودن ... نه رنگ و روی جنگو دیدن ... نه طعمشو چشیدن ... اینه که احساس درونی ندارن که یک جانباز چی می‌کشه یا جنگ چی بوده ...
- یکی از دوستان می‌گفت دو تا دکتر جوون اومدن نگاه انداختن به پرونده و خدافظی کردن و گفتن برید. کمیسیون شما تموم شد و بعد ۵٪ هم حساب نکردن.

۷- نارضایتی و احساس محرومیت

نتایج بیانگر این واقعیت است که اغلب این گروه از جانبازان از بنیاد شهید ناراضی‌اند. دلایل آنان برای نارضایتی از بنیاد به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود. اولین مورد احساس محرومیت از احترام است. محرومیت از احترام به همهی سازوکارهای رفتاری بنیاد که منجر به احساس تحقیر در مقابل احساس احترام در جانبازان می‌شود اشاره دارد. ارزش کافی قائل نشدن برای جانبازان، عدم تلاش بنیاد برای کاهش تبعیض‌های بین جانبازان و توهین به آن‌ها از جمله مواردی است که جانبازان در رابطه با محرومیت از احترام و توجه ابراز داشته‌اند. عامل دوم مربوط به احساس محرومیت جانبازان از مزایاست. این مورد اشاره به رفتارهایی از سوی بنیاد دارد که منجر به احساس عدم برخورداری جانبازان از مزایای مادی شده است. آن‌ها بر این باورند که بنیاد در قبال آن‌ها احساس مسئولیت نمی‌کند و شاهد هیچ تلاشی جهت پیگیری امتیازات و احقاق حقوق جانبازان بنیاد نیستند. سومین دلیل نارضایتی احساس محرومیت از هویت سازمانی است که به احساس بیگانگی و عدم تعلق به بنیاد از سوی این دسته از جانبازان اشاره دارد. آن‌ها بر این باورند که بنیاد، جانبازان زیر ۲۵ درصد را خودی تلقی نمی‌کند و به همین دلیل امور مربوط به آن‌ها را به سایر سازمان‌ها واگذار می‌کند. زیر مقوله‌ی احساس نارضایتی مربوط به پیامدهای نارضایتی نسبت به بنیاد است. انصراف جانبازان زیر ۲۵ درصد از پیگیری حقوق خود و به تبع آن قطع ارتباط میان این گروه و بنیاد از جمله این پیامدهاست:

اول: احساس محرومیت از احترام

- اون ارزشی که باید فائل باشند، من ندیدم ... باور کنین فحش می‌دادن به آدم بهتره ... گویا فراموش شده‌ایم دیگه ... خودم شخصاً دو دفعه رفتم کمیسیون اصلاً بهمون جواب نمی‌دن.
- اصلاً تو بنیاد نگاه نمی‌کنن همونجایی که ترکش خورده همونارو بالا نمیزنن نگاه کنن آدم دلش خوش باشه کجاست چی شده اصلاً نمی‌گن فقط بازدید بکنن و ... اصلاً تقدیر و احترام وجود نداره.
- واقعاً کم‌رنگ شدیم فراموش شدیم اینجور بهتره بگیم ... الان به ما می‌گن شما سربرار دولتین. به ما این حرفارو می‌زنن.

دوم: احساس محرومیت از مزایا

- البته هدف ما دفاع از نوامیس و کشور بود و انتظار نداریم که پاسخگوی جانبازی ما باشند. نه ... اما در هر حال می‌بایستی بیشتر می‌رسیدن.
- از کار افتاده‌ایم ... من الان دارم تو خانه چاردست و پا راه میرم با چهار تا بچه و ... زیر ۲۵ درصد یعنی در اصل حساب کنی بالای ۵۰ درصدن.
- بنیاد پذیری می‌کنه با زبون خالی.

سوم: احساس محرومیت از هویت سازمانی

- یعنی بری و نری (یکیه). یعنی وقتی بری اونجا نهایتش یه گواهی به شما می‌ده اگر برای جایی بخوای بعدشم می‌گه با ادارتونه ... می‌گن شما برین اداره‌ی خودتون. هر کاری می‌خواین با اونا بکنین.
- * سه سال یکبار هم شاید به بنیاد نرم. به خاطر اینکه وقتی می‌ریم اونجا عملاً به ما پاسخگو نیستن.

۸- ناراضایتی از سایر سازمان‌ها

جانبازان علاوه بر بنیاد شهید از سازمان‌های دیگر هم ناراضی هستند. در واقع آن‌ها معتقدند نارسایی‌هایی در اجرای قوانین احقاق حقوق جانبازان در سایر سازمان‌ها وجود دارد. به این ترتیب که ادارات اغلب در برابر احقاق حقوق جانبازان مقاومت می‌کنند. این نارسایی و مقاومت‌ها در اجرای حقوق جانبازان در سایر سازمان‌ها خود عامل ترس برای پیگیری اموری توسط جانبازان است.

- ما الان کلی قوانین برای جانبازان داریم که شاملشون می‌شه در ادارات ... دو سه سال مکاتبه می‌کردم با اینا زیر بار نمی‌رفتن. کلی مستندات فرستادم تا بالاخره قبول کردند که بابا بر اساس قانون باید یک وعده‌ی شغلی به ما بیشتر بدن.
- الان جانبازان در مورد ساعات حضور کار کلی قوانین دارن. هیچ کدومشون اعمال نمی‌شه. هیچ کدوم.
- می‌گن لابد می‌خواد از زیر کار در بره. عملاً بعضی وقت‌ها کار به شکایت می‌رسه دیگه. می‌ترسیم از اینکه حرفمون به کرسی نرسه مسئولین برخورد بکنن. لذا قیدش رو می‌زنیم ... دیگه کسی جرأت نمی‌کنه بره دنبال این حرفا ...

۹- تقاضا از بنیاد شهید و جامعه

کلیه‌ی موارد تحت عنوان «تقاضا» و یا خواسته به خاطر وجود مشکلات جانبازان است. به موازات مشکلاتی نظیر فقدان شبکه‌ی اطلاع‌رسانی، تقاضایی مبنی بر ایجاد چنین شبکه‌ای برای آگاهی جانبازان از حقوق و مزایای خود در بنیاد شکل گرفته است و وعده‌ای از جانبازان خواهان عملکرد فرهنگی بهتری از بنیاد هستند. یکی دیگر از تقاضاهایی که به شدت مورد تأکید جانبازان بوده است، تجدید نظر در فرآیند بررسی درصددی جانبازان است. به این ترتیب آن‌ها خواستار نوعی برنامه‌ریزی مجدد برای احقاق حقوق جانبازان بودند. همچنین آن‌ها بیان کردند که پرونده‌های جانبازان دارای نواقصی است که باید به آن‌ها رسیدگی شود.

گروهی از جانبازان معتقد بودند که بنیاد راجع به جانبازان سخت‌گیری می‌کند و در این سختگیری‌ها باید تجدید نظر کند. یکی از اصلی‌ترین موارد اشاره شده توسط جانبازان، تقاضای تجدید نظر در کمیسیون تشخیص درصد در بنیاد است. همچنین تقاضای تشکیل کارگروه‌هایی از خود جانبازان و درخواست استفاده از حضور پزشکان با صلاحیت در کمیسیون و کارگروه‌های موجود تا جانبازان را بشناسند و بتوانند مشکلات آن‌ها را تشخیص دهند. در نهایت تقاضای مورد احترام و تقدیر قرار گرفتن جانبازان بوده که به شیوه‌های گوناگون بیان شده است. از جمله پیشنهادهای جانبازان در این زمینه بازگویی خاطرات توسط جانبازان، ایجاد شبکه‌ی ارتباطی میان آن‌ها، تقدیر از جانبازان، تشکیل همایش‌ها و جلسات برای آن‌ها و ... بوده است.

- مثل همین یارانه‌ها رو که می‌گن آقا تو رو خدا بیاین یارانتون رو حذف کنید، فرهنگ‌سازی دیگه چون کار فرهنگی بعد بیان فرهنگ‌سازی کنن همین جانباز رو بگن یه جایی حضور پیدا کن.

- باید از این کارگروه‌ها تشکیل بدن بچه‌های جانباز رو بیارن دور هم بشینند.
 - بالاخره کاری باید صورت می‌گرفت من می‌خوام بگم جنگ آلمان بود که آلمان‌های نازی که اون زمان اگه اشتباه نکنم اینا هنوز اون کسایی که تو جنگ حضور داشتن. میان تندیس درست می‌کنن میان جلسات آنچنانی همایش‌های آنچنانی می‌گیرن بعد از چندین سال هنوز به یادشون هستن با اینا، ما هنوز چیزی از جنگمون نگذشته.
 - اینا می‌تونن یه جایی دعوت کنن یا ... این حماسه‌ها کتبی بشه چون این نسل که بگذره، نسل دیگه که نیست همچین چیزی ...

در یک جمع‌بندی کلی از آنچه در بخش یافته‌های پژوهش آمد، جدول ۱ تصویر کلی از ابعاد و مضامین اصلی مشکلات جانبازان را نشان می‌دهد.

جدول ۱: تصویر کلی از ابعاد و مضامین اصلی مشکلات جانبازان زیر ۲۵ درصد

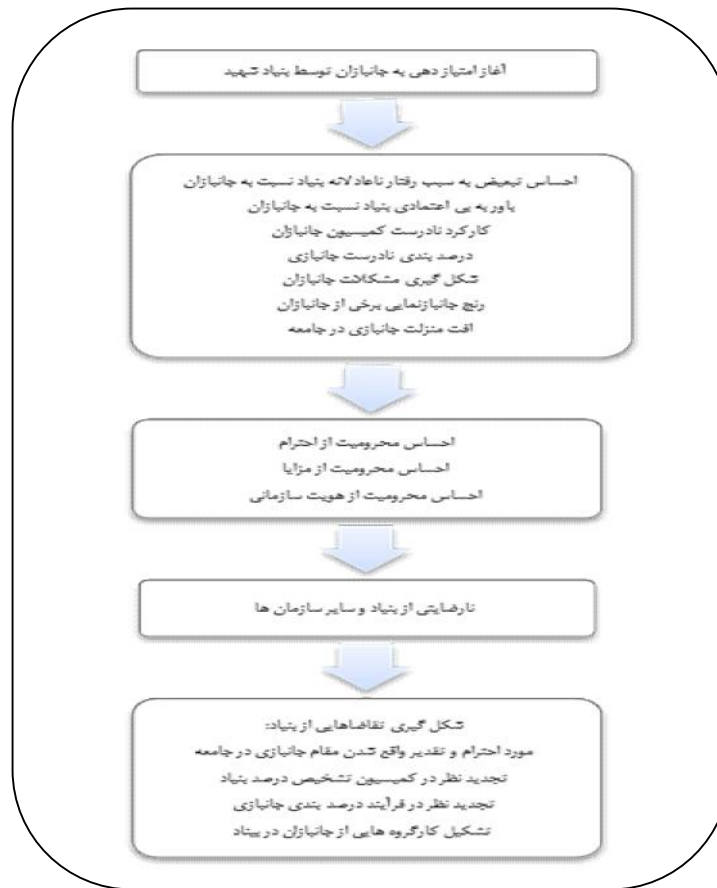
Table 1: Overview of the Main Dimensions and Themes of Less Than 25% Veterans Problems

مضامین <i>Themes</i>	کد محوری <i>Axial Code</i>	کد باز <i>Open Code</i>
آغاز امتیازدهی به جانبازان	تغییر شرایط در بنیاد	مشاهده‌ی تغییرات در سازمان بنیاد شهید، شکل‌گیری سازمان خاص برای امور جانبازان
	تغییر نسبت جانبازان بالای ۷۰ درصد و جانبازان درصد پایین‌تر	توجه به جانبازان زیر ۲۵ درصد با فوت جانبازان درصد بالا، فقدان جانبازان بالای ۷۰ درصد، وجود آسایشگاه جانبازان هفتاد درصد به بالا در زمان جنگ
	تغییر شرایط سازمان‌های دولتی	مشاهده‌ی تغییرات در سازمان‌های دولتی در خصوص بیمه و مالیات، پرداخت وام به جانبازان
جانبازنمایی	تغییر شرایط سنی و بروز افزایش آسیب‌های ناشی از جانبازی	تخریب بدن جانبازان از درون، عدم تحمل کارهای ساختمانی و ایستاده کار کردن، پا به سن گذاشتن جانبازان
افت منزلت اجتماعی جانبازان در جامعه	تمارض به جانبازی	سندسازی برای کسب مدرک جانبازی، دریافت امتیازات از بنیاد با مدرک تقلبی
باور به	واکنش تند مردم نسبت به جانبازان	زخم زبان اطرافیان به جانباز، تقلیل ارزش‌گذاری به جانبازان در بین مردم
	واکنش بنیاد نسبت به	سخت‌گیری و گذاشتن موانع از سوی بنیاد برای جلوگیری و

مضامین <i>Themes</i>	کد محوری <i>Axial Code</i>	کد باز <i>Open Code</i>
بی‌اعتمادی بنیاد نسبت به جانبازان	رفتار متقابلانه برخی از جانبازان	سوء استفاده احتمالی برخی از جانبازان، بی‌اعتمادی بنیاد به دلیل رفتار فریبکارانه گروهی از جانبازان
رنج بی‌عدالتی و تبعیض در بین جانبازان	بی‌احترامی، تبعیض و نابرابری در بین جانبازان	احساس بی‌عدالتی در دریافت امتیازات بین جانبازان با درصدهای جانبازی متفاوت، رنج ناشی از بی‌احترامی بنیاد نسبت به جانبازان، یک دست دیدن جانبازان جنگ و زندانیان سیاسی قبل از انقلاب توسط بنیاد، احساس نابرابری در تعلق درصد به جانبازان توسط بنیاد، عدم تعلق وام به جانبازان زیر ۲۵ درصد، نادرست بودن استفاده از امتیاز سهمیه‌ی دانشگاه برای فرزندان جانبازان با درصد بالا
بی‌اعتمادی به عملکرد بنیاد	درصد بندی نادرست جانبازی	بی‌فایده و نادرست دانستن درصدبندی‌های انجام شده توسط بنیاد، تحقیر جانبازان با درصدبندی کمی
	کارکرد نادرست کمیسیون جانبازان	عدم پذیرش تصمیم‌گیری‌ها در کمیسیون بنیاد، اعتقاد به عدم پابندی به قانون در کمیسیون، اعتقاد به انجام پارتی‌بازی و حق‌کشی نسبت به جانبازان، استفاده‌ی ابزاری بنیاد از درصدبندی، ضعف در مهارت و فقدان صلاحیت اعضای کمیسیون
نارضایتی و احساس محرومیت	احساس محرومیت جانبازان از احترام	احساس تحقیر ناشی از رفتار کارکنان بنیاد، عدم تلاش بنیاد در جهت کاهش تبعیض و توهین به جانبازان، ارزش قائل نشدن به جانبازان
	احساس محرومیت جانبازان از مزایا	احساس عدم برخورداری جانبازان از مزایای مادی، ناکارآمدی و عدم توانمندی و پیگیری در رفع نیاز جانبازان
	احساس محرومیت جانبازان از هویت سازمانی	احساس بیگانگی و عدم تعلق به بنیاد، واگذاری امور جانبازان زیر ۲۵ درصد به سایر سازمان‌ها
نارضایتی از سایر سازمان‌ها	عملکرد نا مناسب سایر سازمان‌ها	نارسایی در اجرای قوانین و احقاق حقوق جانبازان در سایر سازمان‌ها، مقاومت ادارات در برابر احقاق حقوق جانبازان، ترس از پیگیری امور توسط جانبازان به دلیل مقاومت در احقاق حقوق و نارسایی‌های موجود
تقاضا از بنیاد شهید و جامعه	تجدید نظر در فرایند بررسی درصدبندی جانبازی	ایجاد شبکه‌ی اطلاع‌رسانی در بنیاد برای آگاهی جانبازان از حقوق و مزایا، تجدید نظر درخصوص درصدبندی جانبازان، برنامه‌ریزی مجدد برای احقاق حقوق جانبازان، بررسی نواقص در پرونده‌های جانبازان
	تجدید نظر در کمیسیون تشخیص درصد در بنیاد شهید	استفاده از پزشکان دارای صلاحیت در کمیسیون و کارگروه مربوط به جانبازان، تقاضای تجدید نظر در کمیسیون تشخیص درصد بنیاد، تشکیل کارگروه از خود جانبازان
	مورد احترام و تقدیر واقع شدن	مورد احترام و تقدیر قرار گرفتن جانبازان

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با روش کیفی قصد داشت چالش‌ها و مشکلات زندگی جانبازان زیر ۲۵ درصد در استان خراسان رضوی را به تصویر بکشد. تحلیل مصاحبه‌ها منجر به شناسایی مقوله‌هایی شد که در شکل ۱ آمده است. در این شکل ارتباط منطقی بین مقوله‌ها به روشن شدن ابهامات و نتایجی انجامید که پیش از آن آشکار نبود.



شکل ۱: فرایند شکل‌گیری و ارتباط منطقی مشکلات و ظهور نارضایتی در میان جانبازان زیر ۲۵ درصد

Fig. 1: The Process of Emerging the Problems and its Logical Relationship with the Rise of Discontent among the Veterans under %25

نتایج نشان داد جانبازان برای ارزش‌های ویژه و اعتقادات خاصی که داشته‌اند به جنگ رفته و تبعات آن را پذیرفته‌اند. به بیان دیگر ارزش ایثارگری با بی‌اهمیت بودن امتیازات مادی برای آنان همراه است. به این ترتیب جانبازان تأکید دارند علت رفتن به جنگ، اعتقاد به ارزش‌ها بوده است و نه کسب امتیازاتی که اکنون بنیاد برای آن‌ها در نظر می‌گیرد. بی‌اعتنایی به امتیازات جانبازی مفهومی است که تحت تأثیر ارزش‌های ایثارگری نزد جانبازان و ایثارگران شکل گرفته است. اغلب جانبازان اظهار می‌کردند که امتیازات برای آن‌ها ارزشی ندارد. این امر خود موجب شده است که آن‌ها اغلب از مراجعه به بنیاد، دریافت کارت جانبازی و امتیازات خودداری کنند. اما داستان از اینجا شروع می‌شود که امتیازدهی به جانبازان از سوی بنیاد آغاز می‌شود. اعلام امتیازدهی و درخواست مراجعه و تشکیل پرونده موجب تلاش عده‌ای برای کسب امتیازات مادی از طریق معرفی خود به‌عنوان جانباز است.

از این زمان جانبازان با مشکلات مختلفی روبرو می‌شوند که عمده‌ی آنها در مقاله‌ی حاضر از نظر گذشت. نظیر جانبازنمایی که طی آن برخی از جانبازان در میزان آسیب‌دیدگی تمارض می‌کنند و تعدادی هم آسیب‌دیدگی ناشی از جنگ و دفاع مقدس نداشته‌اند و خود را به‌عنوان جانباز جا زده‌اند و این مسأله باعث رنج جانبازان شده است. موضوع جانبازنمایی پیامدهایی به دنبال داشت که از جمله آنها افت منزلت جانبازی در جامعه و بی‌اعتمادی به جانبازان از سوی بنیاد شهید است.

بر اساس نتایج این تحقیق، جانبازان مورد بررسی اگر چه در ارتباط با جانبازان ۲۵ درصد یا بالاتر احساس تبعیض و نابرابری می‌کنند اما این احساس با نوعی فروتنی در برابر آنان توأم است، زیرا از دیدگاه جانبازان زیر ۲۵ درصد توزیع نابرابر امتیازات نتیجه‌ی رفتار تبعیض‌آمیز بنیاد و ادارات وابسته است و جانبازان ۲۵ درصد یا بالاتر در این رفتار تبعیض‌آمیز تقصیری نداشته‌اند. اغلب آن‌ها این احساس تبعیض را ناشی از دو عامل می‌دانند: عدم مقبولیت درصدبندی و عدم مقبولیت کمیسیون، که اولی مربوط به اصل درصدبندی و قوانین مربوط به آن است و دومی به سازوکارهای اجرای آن توسط کمیسیون است.

احساس تبعیض و احساس تحقیر و محرومیت از احترام و عدم برخورداری از مزایای مادی که منجر به احساس محرومیت از مزایا شده است. همچنین بیگانگی و عدم تعلق سازمانی نسبت به بنیاد که باعث پدیدار شدن احساس محرومیت از هویت سازمانی شده است، نارضایتی از بنیاد شهید و سایر سازمان‌ها را بوجود آورده است.

نقطه‌ی آغاز شکل‌گیری نارضایتی جانبازان زیر ۲۵ درصد از یک‌سو مقارن است با شروع دوران میانسالی و ظهور تدریجی علائم جسمی و روانی آسیب‌های وارده بر آنان و از سوی دیگر همزمانی آن با مشکلات ناشی از شرایط نامناسب اقتصادی جامعه (نظیر رکود و تورم) بر اثر پیامدهای درازمدت جنگ و تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و افزایش فشار ناشی از بار تکفل زندگی خانوادگی.

در چنین شرایطی است که سیاست حمایتی بنیاد از جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر واجد ارزش ویژه‌ای در نزد تمامی جامعه هدف اعم از رزمنده، آزاده و جانبازان و حتی شهروندان عادی می‌شود و به همین سبب جانبازان زیر ۲۵ درصد با وجود گذشت سالها از زمان جبهه و جانبازی اقدام به جستجوی اسناد و مدارک می‌نمایند، ولی اغلب آنها در دستیابی به مدارک مربوطه موفقیتی کسب نمی‌کنند و در مراجعه به کمیسیون‌های ویژه تعیین درصد جانبازی نیز نمی‌توانند اسناد و مدارک متقاعد کننده‌ای ارائه دهند. تفسیر چنین بازخوردی برای جانبازان زیر ۲۵ درصد بسیار تلخ است. به گونه‌ای که از یکسو به صورت ناخودآگاه مصادیقی از جانبازان ۲۵ درصد یا بالاتر را مشاهده می‌کنند که به روش‌های غیر قانونی و توسل به فریبکاری موفق به تهیه‌ی مدارک لازم شده‌اند و به همین دلیل احساس تبعیض بین آنان تشدید می‌شود. زیرا در خود استحقاق برخوردارگی از امتیازات ناشی از جانبازی را مشاهده می‌کنند اما در برخی از مصادیق گروه مرجع شاهد چنین استحقاقی نیستند. از سوی دیگر جانبازان زیر ۲۵ درصد احساس می‌کنند بنیاد شهید و مسئولان ذیربط در کمیسیون‌های مربوطه نسبت به آنها بی‌اعتماد شده‌اند. این احساس موجب سرخوردگی بیشتر در آنان شده و شرایطی را فراهم می‌آورد که نسبت به قبل از مراجعه به کمیسیون و بنیاد احساس ناکامی دارند.

پیامد شرایط فوق، مقبولیت‌زدایی از فرآیند درصدبندی و اعضای کمیسیون در نزد جانبازان زیر ۲۵ درصد است. در شرایط فعلی، جانبازان زیر ۲۵ درصد نه تنها مرز ۲۵ درصد را قبول ندارند بلکه اعتقاد دارند اعضای کمیسیون‌های ذیربط اساساً فاقد صلاحیت بررسی آسیب‌های جسمی و روانی وارده به جانبازان هستند. به گونه‌ای که ۶۳/۲ درصد از آنان درصد جانبازی خود را ناعادلانه تفسیر می‌کنند. در مجموع شرایط فوق‌الذکر موجب تشدید نارضایتی جانبازان زیر ۲۵ درصد شده و به‌عنوان یک عامل فشار روانی شدید، تا سال‌های متمادی زخم‌های عمیقی بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی و فردی یک جامعه وارد می‌کند.

به موازات مشکلاتی که منجر به نارضایتی جانبازان از بنیاد و سایر سازمان‌ها شده است، جانبازان متقاضی خواسته‌هایی هستند که به نظر می‌رسد توجه به آن‌ها موجب کاهش نارضایتی‌ها خواهد شد.

Reference:

Asghari, F. & Sayyidi, A. & Saadat, S. & Rashidi, E. (2015). "Prioritizing the Needs of Guilan Province's Less than 25% Veterans from the Viewpoint of them and their Spouses", *Iranian Journal of War & Public Health*, 7(3):133-138. (Persian).

Amirkhani, A. (2010). "Evaluation of Veterans' Satisfaction with the Performance of Martyrs and Victims Foundation and its Effective Factors", Dissertation for Master's degree, Payame Noor University, Tehran. (Persian).

Adibi Sadeh, M. (2013). *Sociology of War and Military Forces*. Tehran, The Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT). (Persian).

Ahmadi Node, K. & Nejati, V. (2010). "Evaluation of quality of life in psychiatric veterans of Isfahan", *Iran J War Pub Health*, 2 (4): 13-17. (Persian).

Anbari, M. & Oveisi Fardoei. Gh. (2013). "Cultural and identity challenges of Janbazan in the Imposed War", *Sociological Review*, 19 (2): 113-140. (Persian).

Abdi, R. & Azimi, H. (2013). Evaluation of Patient Satisfaction with Services Provided in Guilan Martyrs & Victims Foundation by Parasuraman Method and Comparison with their Expectation Level, Available from: https://www.civilica.com/Paper-ICMM01-CMM01_0259.html. (Persian).

Ahern, J. & Worthen, M. & Masters, J. & Lippman, S. A. & Ozer E., J. & Moos, R. (2015). *The Challenges of Afghanistan and Iraq Veterans' Transition from Military to Civilian Life and Approaches to Reconnection* [Internet]. PubMed.2015 [cited Jul 1].

Available from: <https://journals.plos.org/plosone/article?id=10.1371/journal.pone.0128599>

Dortaj, F. & Hosseini Farhangi, S. & Talebi, M. & Ghanei, F. (2009). "Satisfaction of the Janbazan (veterans) from services health that presenting by organization of shahid and issargar affair", *Iran J War Public Health*, 2 (1):33-43. (Persian).

Gholipour, S. & Parhizgar Kalat, Z. & Gholipour, M. (2015). "Type of Injury and Quality of Life among Veterans with

Disabilities of Kermanshah Province”, *Research Journal on Social Work (RJSW)*, 1(4), 66-99. (Persian).

Witters, D. (2010). Deployment Taking Greatest Toll on Young Service Members, *The Gallup Poll: Public Opinion 2010*, August 18.

Mohammadpour, A. (2010). *Understanding the Philosophical and Practical Foundations of the Combined Research Method in the Social and Behavioral Sciences*, Tehran, Sociologists. (Persian).

Mandani, B. & Fakhri, A. (2013). “Study of health related Quality of Life in Posttraumatic Stress Disorder War Veterans”, *Iran J War Public Health*, 5(2):18-25. (Persian).

Morin R. (2011). *The difficult transition from Military to Civilian Life* [Internet]. Pew Research Center; 2011 [cited December 8]. Available from: <https://www.pewsocialtrends.org/2011/12/08/the-difficult-transition-from-military-to-civilian-life>.

Nimroozi, N. (2008). “Meta-analysis of studies and research in the field of youth social and cultural issues”, *Strategy for Culture*, 1(1): 41-72. (Persian).

Newman Lawrence, W. (2012). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*, Vol. 1, Translation by Abolhassan Faghihi & Asal Aghaz, Tehran, Terme. (Persian).

Strauss Anselm, L. & Corbin, J. (2014). *Principles of Qualitative Research Methodology: Basic Theory, Procedures and Practices*.

Translation by Byouk Mohammdi, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies. (Persian).

Sayer, N. A. & Noorbaloochi, S. & Frazier, P. & Carlson, K. & Gravely, A. & Murdoch, M. (2010). “Reintegration Problems And Treatment Interests Among Iraq And Afghanistan Combat Veterans Receiving VA Medical Care”, *Psychiatric Services*, 61(6): 589- 597.

Sayers, S. L. (2011). "Family reintegration difficulties and couples therapy for military veterans and their spouses", *Cognitive and Behavioral Practice*, 18(1):108-119.

Shayanmehr, A. (2012). *Sociology of War*, Tehran, Sociologists Publications. (Persian).

Social Challenges and Life Problems of Veterans (Case Study: Veterans Under 25% in Khorasan Razavi Province)

Saeed Shariati Mazinani¹ and Simin Foroughzadeh²

DOI: 10.22055/qjsd.2019.15267

Abstract:

This qualitative study describes and analyzes the social challenges and life problems of veterans below 25% and explains the causes of their dissatisfaction. The data were collected through semi-structured interviews and in-depth interviews with 30 veterans under 25% in Khorasan Razavi province. The results indicate that the major problems of the veterans begin with the method of scoring by the Martyr Foundation. This procedure of scoring creates adverse consequences like a sense of Foundation's lack of trust in veterans, the inadequate functioning of the Veterans' Commission, and the incorrect determining the percentage of injury, a feeling of discrimination on the basis of Foundation's unfair treatment, the suffering resulted from people Pretending to be a veteran, and a decline in the status of veterans in society. These problems have led to a sense of deprivation of respect, benefits and organizational identity which has ultimately led to dissatisfaction with the Martyr Foundation and other organizations. Veterans are demanding a revision in determining the percentage of injury, being respected and honored as a veteran in the society and finally, forming a working group of veterans in the Foundation.

Key Concepts: Veterans under 25%, Life Challenges, Khorasan Razavi Provin

¹ Academic staff of institute for Applied Science and Technology, ACECR, Khorasan Razavi, Iran, saeedshariatim@gmail.com

² Academic Center for Education, Culture and Research, Khorasan Razavi (ACECR), Ferdowsi University, Campus, Mashhad, Iran (Corresponding Author), foroughzadeh.simin@gmail.com



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).